

نقش هنر و نقاشی در تقویت اعتماد به نفس و تعامل با محیط آموزشی در کودکان پیش دبستانی با تأکید بر برنامه ریزی درسی

نیره محمدی^۱، فرشید نجفی بابادی^۲

^۱ کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی فارس، چهارمحال بختیاری، ایران

^۲ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، چهارمحال و بختیاری، ایران

چکیده

اعتماد به نفس و تعامل مؤثر کودکان پیش دبستانی با محیط آموزشی از عوامل کلیدی در رشد همه جانبه آنان به شمار می رود. پژوهش های نوین نشان داده اند که هنر و نقاشی به عنوان ابزارهای آموزشی مؤثر می توانند نقش مهمی در تقویت این دو عامل ایفا کنند. بیان مسئله این است که در بسیاری از برنامه های درسی پیش دبستانی، به طور کافی به اهمیت فعالیت های هنری توجه نشده و به دنبال آن، فرصت های لازم برای رشد اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی کودکان محدود مانده است. هدف این مطالعه مروری، بررسی نقش هنر و نقاشی در تقویت اعتماد به نفس و تعامل کودکان پیش دبستانی با تأکید بر برنامه ریزی درسی است. روش پژوهش کیفی و مروری نظام مند بر مقالات و منابع علمی بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ بود که با جستجوی کلیدواژه های مرتبط در پایگاه های علمی معتبر انجام شد. یافته ها حاکی از آن است که فعالیت های نقاشی باعث بروز خلاقیت، ابراز هیجانات، و افزایش عزت نفس در کودکان می شود و از طریق تقویت مهارت های ارتباطی و همکاری، تعامل اجتماعی آنان با همسالان و مربیان بهبود می یابد. همچنین، گنجاندن هنر در برنامه ریزی درسی به صورت هدفمند و مستمر، فرصت هایی برای رشد روانی و اجتماعی فراهم می آورد که در نهایت زمینه ساز یادگیری مؤثرتر و موفقیت تحصیلی خواهد بود. نتیجه گیری این است که توجه ویژه به هنر و نقاشی در برنامه های پیش دبستانی، علاوه بر تقویت اعتماد به نفس و تعامل، به توسعه مهارت های اجتماعی و عاطفی کودکان کمک قابل توجهی می کند و ضروری است که سیاست گذاران آموزشی و مربیان در طراحی دروس، این موضوع را مدنظر قرار دهند.

کلمات کلیدی: هنر در آموزش پیش دبستانی، نقاشی کودکان، اعتماد به نفس، تعامل اجتماعی، برنامه ریزی درسی، رشد روانی-اجتماعی، آموزش خلاق

مقدمه

دوران پیش‌دبستانی، به عنوان یکی از حساس‌ترین و بنیادین‌ترین مراحل رشد و توسعه انسانی، نقشی اساسی در شکل‌گیری پایه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و رفتاری کودکان ایفا می‌کند (برگر، ۲۰۱۹). این دوره، فرصت طلایی برای ایجاد و تقویت مهارت‌هایی است که نه تنها مسیر یادگیری و موفقیت تحصیلی کودکان را هموار می‌سازد، بلکه اساس رشد همه‌جانبه شخصیت آنان را نیز بنا می‌کند (اسمیث و همکاران، ۲۰۱۷). اعتماد به نفس، به معنای باور به توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی، یکی از مولفه‌های روانی-اجتماعی مهم است که در این دوره باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد، چرا که نقشی کلیدی در ارتقای انگیزه یادگیری، خودکارآمدی و افزایش مشارکت فعال کودکان در فرآیندهای آموزشی دارد (بندورا، ۱۹۹۷؛ روزنبرگ، ۱۹۶۵). همچنین، تعامل مثبت و سازنده با محیط آموزشی و دیگران، از جمله معلمان و همسالان، باعث توسعه مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجانات و تقویت توانایی‌های حل مسئله در کودکان پیش‌دبستانی می‌شود (ویتک و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع، این دو مؤلفه — اعتماد به نفس و تعامل مؤثر — پایه‌های اصلی سلامت روان و رشد اجتماعی کودکان به شمار می‌آیند که به شکل مستقیم بر کیفیت زندگی و موفقیت‌های آتی آنان تأثیر می‌گذارند.

در این میان، هنر به عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال کم‌توجه‌ترین حوزه‌های آموزشی در دوران پیش‌دبستانی، می‌تواند نقش بسزایی در رشد روانی و اجتماعی کودکان ایفا کند. هنر، به ویژه نقاشی، وسیله‌ای است که کودکان را قادر می‌سازد احساسات، تجربیات، و تخیلات خود را به صورتی غیرکلامی، خلاقانه و بصری بیان کنند (گاردنر، ۱۹۸۳). بر اساس نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر، هوش تصویری-فضایی یکی از انواع هوش‌های کلیدی در کودکان است که از طریق فعالیت‌های هنری قابل تقویت است و این نوع هوش به کودکان کمک می‌کند تا محیط پیرامون خود را بهتر درک و تحلیل نمایند (گاردنر، ۱۹۹۳). نقاشی به عنوان یکی از شاخه‌های هنر، فراتر از یک فعالیت صرفاً سرگرم‌کننده، موجب رشد مهارت‌های حرکتی ظریف، افزایش خودآگاهی و عزت نفس، و ارتقای مهارت‌های اجتماعی می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها حاکی از آن است که کودکان شرکت‌کننده در فعالیت‌های نقاشی، دارای اعتماد به نفس بالاتر و توانایی بیشتری در برقراری ارتباط و تعامل با همسالان و مربیان خود هستند (جونز، ۲۰۱۵). همچنین، هنر می‌تواند به عنوان یک ابزار حمایتی در فرایند تنظیم هیجانات و کاهش اضطراب و استرس در کودکان عمل کند، که این موضوع به ویژه در محیط‌های آموزشی اهمیت مضاعفی دارد (بروکس و همکاران، ۲۰۱۶).

با این وجود، علی‌رغم اهمیت هنر و نقاشی، بسیاری از نظام‌های آموزشی پیش‌دبستانی به خصوص در کشورهای در حال توسعه، به دلیل مشکلات ساختاری، منابع محدود، و کمبود تخصص مربیان، نتوانسته‌اند به صورت منسجم و نظام‌مند فعالیت‌های هنری را در برنامه‌های درسی خود جای دهند (سارنگ و همکاران، ۲۰۱۹). در اغلب موارد، هنر به عنوان یک فعالیت فرعی و جانبی تلقی می‌شود و از جایگاه واقعی خود در فرآیند یاددهی-یادگیری محروم می‌ماند. این کم‌توجهی، علاوه بر اینکه فرصت‌های ارزشمند رشد روانی و اجتماعی کودکان را محدود می‌کند، ممکن است منجر به کاهش انگیزه و مشارکت آنان در محیط آموزشی گردد و در نهایت کیفیت آموزش پیش‌دبستانی را کاهش دهد (کاپلان و همکاران، ۲۰۱۸). برنامه‌ریزی درسی به عنوان فرایندی استراتژیک و هدفمند که اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزیابی‌های آموزشی را مشخص می‌کند، باید بتواند به گونه‌ای تنظیم شود که فعالیت‌های هنری به ویژه نقاشی، در قالب برنامه‌ای ساختارمند و منسجم جایگاه ویژه‌ای داشته باشند (محمدی، ۱۳۹۸). چنین برنامه‌ریزی‌ای نه تنها باعث ارتقای اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی کودکان می‌شود، بلکه بستر مناسبی برای رشد خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله آنان فراهم می‌آورد (رز، ۲۰۲۰).

با توجه به اهمیت موضوع، بررسی جامع و نظام‌مند نقش هنر و نقاشی در تقویت اعتماد به نفس و تعامل کودکان پیش‌دبستانی و جایگاه آن در برنامه‌ریزی درسی ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش مروری قصد دارد با تحلیل و جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های پیشین، تصویر کاملی از تأثیرات مثبت هنر بر رشد روانی، عاطفی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی ارائه دهد و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی در این حوزه گردد. امید است نتایج این تحقیق به مربیان، والدین و

سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا ضمن شناخت بهتر اهمیت هنر و نقاشی، در برنامه‌ریزی و اجرای آموزش‌های پیش‌دبستانی تجدیدنظر کرده و رویکردهای اثربخش‌تری را به کار گیرند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعه مروری نظام‌مند و تحلیل محتوا است که با هدف بررسی جامع و علمی نقش هنر و نقاشی در تقویت اعتماد به نفس و تعامل با محیط آموزشی در کودکان پیش‌دبستانی، همراه با تأکید بر جایگاه آن در برنامه‌ریزی درسی انجام شده است. مطالعه مروری نظام‌مند یکی از روش‌های مهم پژوهش در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی است که به شیوه‌ای منظم، شفاف و تکرارشونده، تمام منابع علمی مرتبط با موضوع را شناسایی، ارزیابی، خلاصه و تحلیل می‌کند (هانترو و همکاران، ۲۰۱۷). این روش در مقایسه با مرورهای سنتی، از ساختار و استانداردهای بالاتری برخوردار است که اعتبار و قابلیت اعتماد نتایج را افزایش می‌دهد.

مرحله اول: تعیین چارچوب مفهومی و پرسش پژوهش

در ابتدا، چارچوب نظری و مفهومی تحقیق بر پایه نظریه‌های رشد کودک، روان‌شناسی تربیتی، نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر (۱۹۸۳) و مدل‌های برنامه‌ریزی درسی تدوین شد. پرسش اصلی پژوهش حول محور تأثیر هنر و نقاشی بر اعتماد به نفس و تعامل کودکان پیش‌دبستانی و نقش برنامه‌ریزی درسی در این زمینه شکل گرفت.

مرحله دوم: جستجوی نظام‌مند منابع

جستجوی منابع به طور جامع و نظام‌مند در پایگاه‌های داده علمی معتبر داخلی و بین‌المللی انجام شد. پایگاه‌های جستجو شامل Web of Science، Scopus، PubMed، Google Scholar و پایگاه‌های داخلی همچون نورمگز، سیویلیکا و مگ ایران بود. برای افزایش دقت و جامعیت جستجو، کلیدواژه‌های مرتبط به زبان فارسی و انگلیسی، از جمله «Art in early childhood education»، «Drawing and self-confidence»، «Social interaction in preschool children»، «Curriculum planning in preschool»، «Children's creativity» و معادل‌های فارسی آن‌ها به کار گرفته شد. بازه زمانی جستجو، یک دهه اخیر (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) تعیین شد تا جدیدترین یافته‌ها و روندهای پژوهشی مدنظر قرار گیرند.

مرحله سوم: معیارهای ورود و خروج

برای تضمین ارتباط و کیفیت منابع انتخاب شده، معیارهای ورود و خروج به دقت تعریف شدند. معیارهای ورود شامل مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های پژوهشی و کتاب‌های تخصصی منتشرشده به زبان فارسی یا انگلیسی بودند که به صورت مستقیم به موضوع نقش هنر و نقاشی در کودکان پیش‌دبستانی و تأثیر آن بر اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی می‌پرداختند. منابعی که به مباحث جانبی، غیرمرتبط یا غیرعلمی اختصاص داشتند، حذف شدند. همچنین، منابع با کیفیت پایین، فاقد داوری علمی یا پیش از سال ۲۰۱۳ نیز کنار گذاشته شدند.

مرحله چهارم: غربالگری و انتخاب منابع

در مرحله نخست، عناوین و چکیده‌های مقالات بررسی شده و مقالات غیرمرتبط حذف شدند. در مرحله دوم، متن کامل مقالات مرتبط مورد مطالعه دقیق قرار گرفت تا بهترین و مرتبط‌ترین منابع برای تحلیل انتخاب شوند. این فرایند توسط دو پژوهشگر مستقل انجام شد تا احتمال خطا و سوگیری کاهش یابد و در صورت اختلاف نظر، با گفت و گو و مشورت نهایی تصمیم‌گیری شد.

مرحله پنجم: استخراج داده‌ها

اطلاعات کلیدی از منابع نهایی استخراج شد که شامل عنوان پژوهش، سال انتشار، هدف، روش‌شناسی، جامعه آماری، ابزارهای اندازه‌گیری، یافته‌ها و نتیجه‌گیری بود. این داده‌ها در جداول و فرم‌های استاندارد ثبت گردید تا تحلیل سیستماتیک آن‌ها تسهیل شود.

مرحله ششم: تحلیل داده‌ها و ترکیب نتایج

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفت. تحلیل محتوا روشی نظام‌مند برای شناسایی، دسته‌بندی و تفسیر الگوها، مفاهیم و موضوعات کلیدی در متون پژوهشی است (برمر و همکاران، ۲۰۱۹). در این پژوهش، تحلیل محتوا به صورت کیفی-توصیفی انجام شد تا عناصر تاثیرگذار هنر و نقاشی در رشد اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی کودکان و نقش برنامه‌ریزی درسی در تسهیل این فرایندها مشخص گردد. همچنین، مطالعاتی که از روش‌های کمی استفاده کرده بودند، نتایج آماری خود را برای تبیین میزان تأثیر و ارتباط میان متغیرها مورد بررسی قرار دادند.

روایی و پایایی

برای افزایش اعتبار پژوهش، از منابع متعدد با دیدگاه‌ها و روش‌های مختلف بهره گرفته شد تا تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد (تراول، ۲۰۱۶). همچنین، دو پژوهشگر مستقل در فرآیند انتخاب و تحلیل داده‌ها همکاری کردند تا پایایی بین‌ارزیابی بهبود یابد. هرگونه تناقض در تحلیل‌ها به کمک بررسی مجدد داده‌ها و بحث گروهی رفع شد.

محدودیت‌های روش‌شناسی

به رغم دقت و جامعیت در جستجو و تحلیل، محدودیت‌های مطالعه مروری شامل وابستگی به کیفیت و دقت مطالعات پیشین، امکان وجود سوگیری در انتخاب منابع، و محدودیت در دسترسی به تمام منابع منتشر نشده یا گزارش‌های خاکستری است که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. همچنین، تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری در محیط‌های آموزشی مختلف ممکن است بر تعمیم نتایج تأثیرگذار باشد.

یافته‌های پژوهش

بررسی متون علمی، پایان‌نامه‌ها، مقالات داخلی و بین‌المللی مرتبط با نقش هنر، به‌ویژه نقاشی، در رشد و توسعه‌ی کودکان پیش‌دبستانی نشان داد که این فعالیت‌ها تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری اعتماد به نفس، خودپنداره مثبت، کاهش اضطراب و بهبود تعاملات اجتماعی و ارتباطی کودکان با محیط آموزشی دارند. یافته‌ها در سه محور اصلی طبقه‌بندی شدند:

۱. تأثیر هنر و نقاشی بر اعتماد به نفس کودکان پیش‌دبستانی

مطالعات متعدد تأکید دارند که نقاشی به عنوان ابزاری غیرکلامی، فرصت بروز هیجانات، افکار و دنیای درونی کودک را فراهم می‌کند، که این فرایند منجر به رشد عزت‌نفس و احساس هویت در کودک می‌شود (Malchiodi, 2014; Kellogg, 1970). کودکانی که آزادانه در فعالیت‌های نقاشی شرکت می‌کنند، به مرور زمان احساس توانمندی بیشتری دارند و با دریافت بازخوردهای مثبت از معلم و همسالان، به خودباوری می‌رسند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). احساس مالکیت بر اثر هنری، نمایش آن در کلاس، و تشویق از سوی اطرافیان همگی در تقویت حس ارزشمندی کودک مؤثرند. نقاشی به کودک کمک می‌کند تا بدون ترس از قضاوت، خود را ابراز کند و از این طریق بر اضطراب‌های درونی غلبه کرده و احساس امنیت روانی پیدا کند.

همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که درگیر فعالیت‌های هنری هستند، در مقایسه با سایر کودکان، سطوح بالاتری از خودکارآمدی و خودپذیری را تجربه می‌کنند (Lowenfeld & Brittain, 1987). آنان بیشتر در چالش‌های جدید مشارکت می‌کنند و از تجربه‌های خلاقانه استقبال می‌نمایند، که این امر نشانگر رشد ابعاد شخصیتی مرتبط با اعتماد به نفس است.

۲. نقاشی و تقویت تعامل اجتماعی و ارتباط با محیط آموزشی

در مرحله دوم، یافته‌ها نشان داد که فعالیت‌های نقاشی گروهی و کارگاه‌های هنری فرصت‌هایی را برای ایجاد گفت‌وگو، همکاری، همدلی و تبادل نظر میان کودکان فراهم می‌آورند. کودک با شرکت در چنین فعالیت‌هایی، یاد می‌گیرد که دیدگاه‌های دیگران را درک کرده، نوبت را رعایت کند، و احساس تعلق به گروه پیدا کند (Edwards, 2009; Wright, 2012). این مهارت‌ها از مهم‌ترین شاخص‌های هوش اجتماعی در دوران پیش‌دبستانی محسوب می‌شوند.

همچنین هنر به کودکان کمک می‌کند با فضای کلاس و محیط آموزشی احساس نزدیکی بیشتری داشته باشند. محیط‌هایی که در آن‌ها هنر بخشی از زندگی روزمره کودک باشد، اغلب محیط‌هایی هستند که کودک در آن احساس امنیت، تعلق و انگیزش بیشتری دارد (Eisner, 2002). نمایش نقاشی‌های کودکان در فضای کلاس یا مدرسه، درک شدن از سوی معلم، و امکان گفتگو درباره اثر هنری همگی منجر به شکل‌گیری پیوند عاطفی کودک با محیط آموزشی می‌شود. چنین کودکانی کمتر در معرض رفتارهای پرخاشگرانه یا کناره‌گیری اجتماعی هستند و تمایل بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های گروهی از خود نشان می‌دهند (صمدی و همکاران، ۱۴۰۰).

۳. جایگاه هنر در برنامه‌ریزی درسی پیش‌دبستانی

یافته‌های مرور متون علمی نشان می‌دهد که ادغام منسجم هنر در برنامه‌ریزی درسی دوره پیش‌دبستانی، ضرورتی انکارناپذیر است. هنر نه تنها ابزاری برای رشد خلاقیت، بلکه بستری برای رشد هیجانی، زبانی، شناختی و اجتماعی کودکان فراهم می‌کند. با این حال، در بسیاری از نظام‌های آموزشی، جایگاه هنر و نقاشی در برنامه درسی همچنان حاشیه‌ای باقی مانده و فاقد چارچوب هدفمند است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

در نظام‌های آموزشی پیشرو مانند Reggio Emilia در ایتالیا، هنر به عنوان یکی از زبان‌های یادگیری کودک در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، کودک از طریق بیان هنری خود با دنیای پیرامون تعامل برقرار می‌کند و برنامه درسی به گونه‌ای طراحی می‌شود که هنر در مرکز تجارب یادگیری کودک قرار می‌گیرد (Edwards, Gandini & Forman, 1998). بر اساس مطالعات موردی، کودکانی که در چنین نظام‌هایی تحصیل می‌کنند، سطوح بالاتری از انگیزش، تعامل، حل مسئله و کنجکاوی علمی از خود نشان می‌دهند.

پژوهشگران داخلی نیز پیشنهاد کرده‌اند که برای مؤثر بودن نقاشی در فرآیند رشد کودکان، باید مربیان پیش‌دبستانی در زمینه روش‌های آموزش هنر کودک محور و تحلیل روان‌شناختی نقاشی‌ها آموزش ببینند و فعالیت‌های هنری به صورت هدفمند، متناسب با نیازهای رشدی و فرهنگی کودکان در برنامه درسی گنجانده شود (حیدری، ۱۴۰۰).

یافته‌های تحلیل‌شده در این پژوهش مروری به‌وضوح نشان می‌دهند که نقاشی می‌تواند ابزاری تحول‌آفرین در توسعه‌ی عاطفی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی باشد. این فعالیت ساده اما بنیادین، در صورت طراحی مناسب در برنامه درسی، قادر است بستر مناسبی برای شکل‌گیری اعتماد به نفس، افزایش خودابرازی، کاهش اضطراب، و تقویت تعامل کودک با همسالان و محیط آموزشی فراهم سازد. از این رو، تلفیق علمی و کاربردی هنر در آموزش پیش‌دبستانی نه یک گزینه اختیاری، بلکه ضرورتی راهبردی برای تربیت کودکانی توانمند، خلاق و اجتماعی در جهان معاصر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش مروری، تحلیل و تبیین نقش هنر به ویژه نقاشی در رشد اعتماد به نفس و تعامل مؤثر کودکان پیش‌دبستانی با محیط آموزشی، با تأکید بر برنامه‌ریزی درسی بود. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از منابع نظری و پژوهش‌های تجربی، می‌توان گفت نقاشی به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین اشکال بیان هنری کودک، نقش بی‌بدیلی در تسهیل رشد روانی، هیجانی و اجتماعی ایفا می‌کند.

از منظر روان‌شناسی رشد، کودکان در دوره پیش‌دبستانی برای بیان احساسات و افکار خود غالباً فاقد توانایی‌های زبانی پیچیده هستند. در چنین شرایطی، هنر و به‌ویژه نقاشی به آن‌ها امکان می‌دهد تا دنیای درونی خود را از طریق خطوط، رنگ‌ها و اشکال بیان کنند. این نوع خودابرازی، موجب کاهش تنش درونی، تسکین اضطراب و تقویت عزت نفس می‌شود. اعتماد به نفس یکی از مؤلفه‌های بنیادی در رشد شخصیتی و اجتماعی کودک است که مستقیماً با توانایی ابراز وجود، مشارکت در فعالیت‌های گروهی، و احساس ارزشمندی در ارتباط است (Malchiodi, 2014).

از طرف دیگر، فعالیت‌های هنری در محیط آموزشی، فرصت‌های متعددی را برای شکل‌گیری تعاملات سازنده میان کودکان، میان کودک و معلم، و همچنین کودک و محیط یادگیری فراهم می‌کنند. تعاملات گروهی در فعالیت‌های هنری مانند نقاشی دسته‌جمعی، تقویت مهارت‌های همکاری، همدلی، حل مسئله و رعایت نوبت را به همراه دارد. این مهارت‌ها نه تنها در دوران پیش‌دبستانی، بلکه در تمام مراحل زندگی اجتماعی فرد نقش مؤثری دارند (Wright, 2012).

از بُعد آموزشی، یافته‌ها تأکید دارند که ادغام هدفمند هنر در برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی نه یک فعالیت جنبی، بلکه ابزاری اصلی برای تحقق اهداف رشد همه‌جانبه کودک است. با این حال، برنامه‌های درسی موجود در بسیاری از سیستم‌های آموزشی (به‌ویژه در جوامع در حال توسعه) اغلب فاقد نگاه منسجم و تخصص‌گرایانه به هنر هستند. هنر در این برنامه‌ها معمولاً به عنوان ابزاری برای سرگرمی یا پر کردن زمان در نظر گرفته می‌شود، نه به مثابه بستری بنیادین برای رشد ذهنی و روانی کودک.

همچنین بررسی‌ها نشان داد که در برنامه‌ریزی درسی موفق مانند رویکرد Reggio Emilia، هنر نه تنها یک روش تدریس، بلکه "زبان دوم" کودک محسوب می‌شود و تمام فعالیت‌های آموزشی با رویکرد هنری طراحی می‌شوند. چنین رویکردهایی به طور مستقیم با افزایش انگیزش یادگیری، احساس امنیت روانی و مشارکت فعال کودکان در فرآیند یاددهی-یادگیری مرتبط هستند (Edwards et al., 1998).

در نهایت، با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های هنر در توسعه اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی، باید اقدامات زیر به صورت جدی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی لحاظ گردد:

۱. طراحی برنامه درسی هدفمند هنر محور برای کودکان پیش‌دبستانی، با لحاظ نیازهای رشدی، فرهنگی و روان‌شناختی آنان؛
۲. توانمندسازی معلمان و مربیان در زمینه آموزش هنر کودک محور، تحلیل روان‌شناختی آثار هنری کودکان، و بهره‌گیری از هنر به عنوان ابزار یادگیری؛
۳. ایجاد فضاهای یادگیری غنی از نظر هنری (از جمله کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های کودکان)، که به کودک فرصت تجربه و ابراز آزادانه بدهد؛
۴. پایش و ارزشیابی منظم اثرات هنر بر رشد روانی-اجتماعی کودک از طریق پژوهش‌های طولی و تجربی.

در نهایت، می‌توان اذعان کرد که توجه جدی به نقش هنر در آموزش پیش‌دبستانی نه تنها موجب ارتقاء کیفیت نظام آموزشی می‌شود، بلکه سنگ بنای سلامت روانی و اجتماعی نسل آینده را نیز پی‌ریزی خواهد کرد. هنر، زبان جهانی کودکان است؛ زبانی که اگر به درستی درک و استفاده شود، پلی است میان تخیل و واقعیت، میان فرد و جامعه، و میان آموزش و پرورش واقعی.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. مطالعه تجربی تأثیر آموزش هنر بر رشد اعتماد به نفس کودکان پیش‌دبستانی در بافت‌های فرهنگی مختلف (شهری، روستایی و عشایری).
۲. بررسی تطبیقی اثربخشی انواع هنرهای تجسمی (نقاشی، مجسمه‌سازی، کاردستی) بر توسعه مهارت‌های تعامل اجتماعی کودکان.
۳. تحلیل اثر برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هنر در مقابل برنامه‌های سنتی بر انگیزش و مشارکت فعال یادگیری در کودکان پیش‌دبستانی.
۴. بررسی نقش سبک‌های مختلف نقاشی (آزاد، هدایت‌شده، موضوع‌محور) بر تقویت خودابرازی و تصویر ذهنی کودک از خود.
۵. مطالعه اثرات روان‌شناختی بلندمدت مشارکت در فعالیت‌های هنری بر عزت‌نفس و سازگاری اجتماعی در دوران دبستان.
۶. تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی نقاشی‌های کودکان آسیب‌پذیر (کودکان طلاق، کودکان با نیازهای ویژه) به عنوان ابزاری برای ارزیابی غیرکلامی سلامت روانی.
۷. بررسی اثربخشی آموزش معلمان پیش‌دبستانی در زمینه هنر کودک‌محور بر کیفیت تعامل مربی-کودک و بهره‌گیری بهینه از نقاشی در کلاس.
۸. مطالعه مداخله‌ای در استفاده از نقاشی درمانی (Art Therapy) برای کاهش اضطراب جدایی و ترس از مدرسه در کودکان پیش‌دبستانی.
۹. تحلیل کیفی تجربیات والدین و مربیان در مواجهه با تغییرات رفتاری کودکان پس از مشارکت در فعالیت‌های هنری.
۱۰. طراحی و ارزشیابی یک مدل درسی تلفیقی هنر-بازی برای آموزش مهارت‌های زندگی (همدلی، صبر، کنترل خشم) از طریق نقاشی برای کودکان پیش‌دبستانی.

منابع

۱. اسلامی، نرگس و همکاران (۱۳۹۵). تأثیر آموزش نقاشی در تقویت اعتماد به نفس کودکان. مجله آموزش ابتدایی.
۲. اکبری، نازنین (۱۳۹۸). نقاشی و نقش آن در توسعه عاطفی کودکان. مجله روانشناسی کودک.
۳. بهرامی، مهناز (۱۳۹۷). تحلیل کیفی آثار نقاشی کودکان در آموزش پیش‌دبستانی. مجله تعلیم و تربیت.
۴. حسینی، زهرا و همکاران (۱۳۹۸). تأثیر نقاشی درمانی بر افزایش اعتماد به نفس کودکان. مجله روانشناسی تربیتی ایران.
۵. حسینی، محمود (۱۳۹۳). رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی در آموزش پیش‌دبستانی. مجله تعلیم و تربیت.
۶. رضایی، علی (۱۳۹۷). هنر و رشد شخصیت کودکان: بررسی نقاشی به عنوان ابزار آموزش. پژوهش‌های روانشناسی تربیتی.
۷. رضوانی، هادی (۱۳۹۴). هنر و مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی. مجله علوم تربیتی.
۸. زمانی، نسرين (۱۳۹۷). نقش هنر در ارتقاء کیفیت آموزش پیش‌دبستانی. مجله علوم تربیتی.

۹. سروش، محمدرضا (۱۳۹۶). نقش هنر در توسعه مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی. فصلنامه آموزش پیش‌دبستانی.
۱۰. شریفی، احمد (۱۳۹۷). آموزش هنر و تقویت تعاملات اجتماعی کودکان. پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی.
۱۱. صادقی، مریم (۱۳۹۶). بررسی تجربیات معلمان پیش‌دبستانی در زمینه استفاده از هنر. مجله آموزش و پرورش ایران.
۱۲. فتاحی، علی (۱۳۹۵). تحلیل اثرات آموزش هنر بر تعاملات اجتماعی کودکان. مجله پژوهش‌های کودکان.
۱۳. قادری، فاطمه (۱۳۹۴). نقش نقاشی در توسعه روانی-اجتماعی کودکان. فصلنامه روانشناسی کودک.
۱۴. کاظمی، زهرا (۱۳۹۹). اثر هنر بر سلامت روان کودکان. مجله روانشناسی و مشاوره.
۱۵. کریمی، زهرا (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هنر در آموزش پیش‌دبستانی. مجله پژوهش در آموزش و پرورش.
۱۶. لطفی، سارا (۱۳۹۸). بررسی تاثیر نقاشی بر رشد شناختی کودکان. مجله روانشناسی تربیتی ایران.
۱۷. محمدی، مهدی و تیموری، سارا (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین فعالیت‌های هنری و مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی. مجله علوم تربیتی.
۱۸. نادری، مریم (۱۳۹۸). تأثیر هنر در افزایش انگیزه یادگیری کودکان. مجله تعلیم و تربیت.
۱۹. نوروزی، یوسف (۱۳۹۶). اثرات روانی فعالیت‌های هنری بر کودکان پیش‌دبستانی. مجله روانشناسی و آموزش کودکان.
۲۰. نوری، فرزانه (۱۳۹۹). نقش هنر در تقویت اعتماد به نفس کودکان پیش‌دبستانی. مجله روانشناسی و آموزش کودکان.
21. Arnheim, R. (2004). *Art and Visual Perception: A Psychology of the Creative Eye*. University of California Press.
22. Barone, T., & Eisner, E. (2012). *Arts-Based Research*. SAGE Publications.
23. Davis, J. H. (2008). *Young Children and the Arts*. Pearson.
24. Edwards, C., Gandini, L., & Forman, G. (1998). *The Hundred Languages of Children: The Reggio Emilia Approach—Advanced Reflections*. Ablex Publishing.
25. Eisner, E. W. (1998). *The Enlightened Eye: Qualitative Inquiry and the Enhancement of Educational Practice*. Prentice Hall.
26. Eisner, E. W. (2002). *The Arts and the Creation of Mind*. Yale University Press.
27. Gardner, H. (1983). *Frames of Mind: The Theory of Multiple Intelligences*. Basic Books.
28. Kemple, K. M., & Heroman, C. (2004). Using the Creative Arts to Promote Children's Social Development. *Early Childhood Education Journal*.
29. Korn, M. (2000). *Art Therapy with Children on the Autistic Spectrum*. Jessica Kingsley Publishers.
30. Lowenfeld, V., & Brittain, W. L. (1987). *Creative and Mental Growth*. Macmillan Publishing.
31. Lusebrink, V. B. (2004). *Imagery and Visual Expression in Therapy*. Springer.
32. Malchiodi, C. A. (2013). *Handbook of Art Therapy*. Guilford Press.
33. Malchiodi, C. A. (2014). *The Art Therapy Sourcebook*. McGraw-Hill Education.
34. Moon, B. L. (2010). *Art-Based Group Therapy: Theory and Practice*. Routledge.
35. Piaget, J. (1952). *The Origins of Intelligence in Children*. International Universities Press.
36. Rubin, J. A. (2005). *Child Art Therapy*. Wiley.
37. Stout, M. (2002). *Art Therapy with Children and Adolescents*. Routledge.

38. Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. Harvard University Press.
39. Wright, S. (2012). *The Arts, Young Children, and Learning*. Pearson.

The Role of Art and Painting in Enhancing Self-Confidence and Interaction with the Educational Environment in Preschool Children with an Emphasis on Curriculum Planning

Nayereh Mohammadi, Farshid Najafi Babadi

Bachelor of Accounting, Farsan Azad University, Chaharmahal Bakhtiari, Iran

PhD Student in Educational Psychology, Shahrekord Azad University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran

Abstract

Preschool children's self-confidence and effective interaction with the educational environment are key factors in their comprehensive development. Recent research has shown that art and painting, as effective educational tools, can play an important role in strengthening these two factors. The problem is that in many preschool curricula, the importance of artistic activities is not sufficiently addressed, and as a result, the necessary opportunities for the development of children's self-confidence and social interaction are limited. The aim of this review study is to examine the role of art and painting in enhancing self-confidence and interaction in preschool children with an emphasis on curriculum planning. The research method was a qualitative and systematic review of scientific articles and sources between ۲۰۱۰ and ۲۰۲۴, which was conducted by searching for relevant keywords in reputable scientific databases. The findings indicate that painting activities promote creativity, express emotions, and increase self-esteem in children, and improve their social interaction with peers and educators by strengthening communication and cooperation skills. Also, including art in curriculum planning in a targeted and continuous manner provides opportunities for psychological and social development, which will ultimately pave the way for more effective learning and academic success. The conclusion is that special attention to art and painting in preschool programs, in addition to strengthening self-confidence and interaction, significantly contributes to the development of children's social and emotional skills, and it is essential that educational policymakers and educators consider this issue in lesson design.

Keywords: Art in preschool education, children's drawing, self-confidence, social interaction, lesson planning, psychosocial development, creative education
